

# فرهنگ متشابهات و مشتبهات در ادبیات فارسی

تألیف:

احمد رفعت جو

پدیدآورنده: رفعت جو، حامد، ۱۳۵۴.  
عنوان: فرهنگ تشابهات و مشتبهات در ادبیات فارسی.  
تکرار نام پدیدآور: حامد، رفعت جو.  
مشخصات نشر: اراک، نوای دانش، ۱۳۹۱.  
مشخصات ظاهری: ۱۵۰ ص.  
بهاء: ۵۰۰۰۰ ریال. ISBN ۹۷۲-۹۶۴-۸۹۴۹-۲۷-۸  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: کتابنامه: ص.  
موضوع: ادبیات فارسی - واژه نامه ها - راهنمای آموزشی.  
موضوع: ادبیات فارسی - اصطلاحات و تعبیرها - راهنمای آموزشی.  
موضوع: ادبیات فارسی - کتاب های درسی - راهنمای آموزشی.  
رده کنگره: ۱۳۹۱، ۴۰۶/۳ PIR ۳۳۱۱  
رده دیوبی: ۸۰/۳  
شماره مدرک: ۲۵۷۸۴۹۸

## فرهنگ تشابهات و مشتبهات در ادبیات فارسی

تألیف: حامد رفعت جو  
ناشر: انتشارات آی سانا (۲۲۳۴۰۸۴ - ۲۲۳۴۰۸۳)  
تایپ: طیه دری  
ویرایش: فاطمه دری  
طراحی جلد: رضوان رفعت جو  
صفحه آرایشی: مؤسسه تحریرخانه اراک (سالی) ۲۲۵۳۳۲  
نوبت و سال چاپ: اول - ۱۳۹۱  
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد  
قیمت: ۵۰۰۰ تومان  
شابک: ۹۷۲-۹۶۴-۸۹۴۹-۲۷-۸

## مقدمه مؤلف

راست می‌گویند شکست مقدمه پیروزی است! خوب یادم هست وقتی اولین بار در آیین نامه رانندگی مردود شدم حسابی تعجب کردم. من که بسیار خوب مطالب را خوانده بودم و برای آزمون آمادگی بالایی داشتم، چه شد که با پنج غلط افتادم؟!

همت را برای کشف علت جزم کردم و دربار دوم با کشف دلیل بدون حتی یک غلط از سر جلسه بیرون آمدم. به مشکل حل شده بود! تنها کاری که برای حل مشکل انجام داده بودم جمع‌آوری سؤالات مشابه در دو برگ بود به طوری که امکان اشتباه را در صورت خوب مطالعه کردن به حداقل می‌رساند. خوب به خاطر دارم به هر کس آن دو برگ را می‌دادم صدم درصد در جلسه اول در آزمون پذیرفته می‌شد.

در واقع آنچه باعث مردودی من و اشال من در این امتحان می‌شد به شبهه و اشتباه انداختن داوطلب با سؤالات مشابه یکدیگر بود. همان چیزی که در امتحانات بزرگتری نظیر کنکور دامنگیر داوطلبان است.

از این رو به فکر راه حلی برای به حداقل رساندن اشتباهات دانشجویان و داوطلبان آزمون ادبیات فارسی (در مقاطع مختلف) افتادم و حاصل آن چیزی شد که پیش روی شما است.

اگرچه تشابهات و به شبهه انداختن در فنون و علوم ادبی به عللی همچون تشابه اسمی، هم شکل بودن حدودی برخی واژه‌ها، کارکرد نزدیک برخی از ترکیبات و... بسیار وجود دارد اما گزینه حاضر جمع‌آوری نکاتی است که برای دانشجویان و داوطلبان آزمون دانشگاه به ویژه در مقاطع کارشناسی ارشد و

دکتر ضروری به نظر می‌رسید و البته صاحب‌نظران و خرده‌بینان در خواهند یافت که این وجیزه را قابلیت بسط بیشتری است.

در این گفتار سعی بر آن بوده است تا حتی الامکان مواردی که باعث به اشتباه انداختن مخاطب در ادبیات فارسی می‌شود چه از نظر لفظی، چه محتوایی کتب ذکر گردد و با نصب العین قراردادن منابع ارزشمندی چون لغت‌نامه دهخدا، فرهنگ معین، فرهنگ سخن، فنون و صناعات ادبی استاد علامه همایی، دواوین معتبر شاعران بزرگ ایران و... تلاش بر آن بوده است تا علاقمندان به این مقوله از این شعبه از ادبیات بیشتر بهره‌مند گردند.

روش کار در این کتاب به این صورت است که نخست اسامی مطالب، افراد، آثار و مواردی که شباهت لفظی با محتوایی با یکدیگر دارند و امکان اشتباه شدن آنها با هم وجود دارد در بالای صفحه آورده شده و سپس با توضیحاتی توأم با مثال سعی در رفع ابهام از آنها گردیده است.

گرچه این اثر به منظور راهنمایی دانشجویان و داوطلبان کنکور گرد آمده است اما مخاطبین خاص و حتی عام ادبیات نیز می‌توانند از حاصل این پژوهش بهره‌مند شده، در صورت اهتمام و راهنمایی جهت رفع نواقص، موجب پدید آمدن آثاری مفصل‌تر و دایره‌المعارف گونه از این قبیل موارد در ادبیات فارسی گردند.

ومن ... توفیق

حامد رفعت‌جو - تیرماه ۹۱

## فهرست مطالب

| عنوان                   | صفحه                    |
|-------------------------|-------------------------|
| آ:                      |                         |
| آذر گنشب ..... ۱        | استدراک (دستور) ..... ۳ |
| آذر گنشب ..... ۱        | استطراد ..... ۹         |
| آنیمسم ..... ۷          | استعاره تمثیلیه ..... ۴ |
| الف:                    | اسرار البلاغه ..... ۳   |
| ابداع ..... ۱           | اسلوب الحکیم ..... ۴۸   |
| ابدال ..... ۱۰          | اسم صوت ..... ۵         |
| ابوالعلاء گنجوی ..... ۲ | اسم مصدر ..... ۴        |
| ابوالعلاء معری ..... ۲  | اسم راتباع ..... ۵      |
| اثلم ..... ۷            | اشتقاق (جناس) ..... ۵   |
| اخر ب ..... ۲           | اضافه استعاری ..... ۷   |
| اخرم ..... ۲            | اضافه اقترانی ..... ۷   |
| ارداف ..... ۴۹          | اضافه تشبیهی ..... ۷    |
| ارسال مثل ..... ۱۷      | اضافه تخصیصی ..... ۵۵   |
| ازدواج ..... ۱۶         | اضافه ملکی ..... ۵۵     |
| اساس البلاغه ..... ۳    | اطراد ..... ۹           |
| استثنا ..... ۳          | اعداد ..... ۶           |
| استثنای منقطع ..... ۳   | اعنات القرینه ..... ۱۶  |
| استدراک (بدیع) ..... ۳  | اغراق ..... ۴۵          |

|                               |                              |
|-------------------------------|------------------------------|
| افتنان..... ۱                 | تجرید (فنون ادبی)..... ۱۴    |
| اقتباس..... ۱۷                | تذیل..... ۱۰                 |
| الغاء..... ۱۰                 | ترجیع بند..... ۱۴            |
| الف تاسیس..... ۲۵             | ترصیع..... ۵۴                |
| ایضاح بعد از ابهام..... ۴۴    | ترکیب بند..... ۱۴            |
| ایطاء جلی..... ۹              | تشابه الاطراف..... ۳۳        |
| ایغال..... ۱۰                 | تشبیه خیالی..... ۱۵          |
| ابهام..... ۴۳                 | تشبیه مقلوب..... ۴۰          |
| ب:                            | تشبیه وهمی..... ۱۵           |
| بدل..... ۱۰                   | تشریح..... ۲۳                |
| بوستان..... ۶۱                | تسطیر..... ۲۳                |
| بهاء ولد (پدر مولانا)..... ۱۱ | نضاد..... ۱۸                 |
| بهاء ولد (پسر مولانا)..... ۱۱ | تضمین المزدوج..... ۱۶        |
| پ:                            | تقسیم..... ۴۴                |
| پرسونیفیکاسیون..... ۷         | تلمیح..... ۱۷                |
| ت:                            | تمثیل..... ۱۷                |
| تاریخ بیهق..... ۱۲            | تمیز..... ۱۸                 |
| تاریخ بیهقی..... ۱۲           | تناقض..... ۱۸                |
| تا (شبه جمله)..... ۱۱         | تنسیق الصفات..... ۶          |
| تام (جناس)..... ۱۳            | توارد..... ۱۳                |
| تبادر..... ۱۳                 | توجیه (حرکت قافیه)..... ۲۰   |
| تجرید..... ۱۴                 | توجیه (محتمل الضدین)..... ۲۰ |

|                            |    |                            |    |
|----------------------------|----|----------------------------|----|
| ردالمطلع.....              | ۲۴ | توشیح (تشریح).....         | ۲۰ |
| ردف اصلی (الف).....        | ۲۵ | توشیح (حروف).....          | ۲۰ |
| ردف زاید.....              | ۲۶ | ج:                         |    |
| رمان.....                  | ۲۷ | جدید (بحر).....            | ۳۸ |
| رمانتیسیم (مکتب ادبی)..... | ۲۷ | ح:                         |    |
| رمانتیک (حسن).....         | ۲۷ | حاصل مصدر.....             | ۴  |
| رمانس.....                 | ۲۷ | حدیقه الحقیقه.....         | ۶۲ |
| س:                         |    | حذف (دستور).....           | ۲۱ |
| سبک اصفهانی.....           | ۲۸ | حذف (عروض).....            | ۲۱ |
| سبک ترکستانی.....          | ۲۸ | حذو (قافیه).....           | ۲۱ |
| سبک خراسانی.....           | ۲۸ | حرف گرایبی.....            | ۵۹ |
| سبک هندی (قرن نهم).....    | ۲۸ | خ:                         |    |
| جمع متوازن.....            | ۲۹ | خسرو و شیرین.....          | ۶۱ |
| سلخ.....                   | ۵۶ | خواجه نصیر الدین طوسی..... | ۲۲ |
| سهروردی (ابو حسن).....     | ۲۹ | خواجه نظام الملک طوسی..... | ۲۲ |
| سهروردی (شیخ اشراق).....   | ۲۹ | خواند میر.....             | ۲۲ |
| سیمرغ (ادب حماسی).....     | ۳۰ | ذ:                         |    |
| سیمرغ (ادب عرفانی).....    | ۳۰ | ذو قافیتین.....            | ۲۳ |
| ش:                         |    | ر:                         |    |
| شاهنامه.....               | ۶۱ | را (فک اضافه).....         | ۱۱ |
| شایگان.....                | ۹  | رباعی.....                 | ۲۴ |
| شبه اشتقاق (جناس).....     | ۵  | ردالفافیه.....             | ۲۴ |

|                             |                          |
|-----------------------------|--------------------------|
| شبه فعل..... ۳۰             | علاقه (محلیت)..... ۳۵    |
| شروان..... ۳۱               | غ: غزالی (بحر)..... ۳۸   |
| شیروان..... ۳۱              | غزالی (احمد)..... ۳۶     |
| ص: صفت اشاره..... ۳۱        | غزالی (محمد)..... ۳۶     |
| صفت فاعلی..... ۳۲           | غلو..... ۴۵              |
| صفت مبهم..... ۳۱            | ف: فعل امر..... ۳۷       |
| صفت مفعولی..... ۳۲          | فعل مرکب..... ۳۷         |
| ض: ضمیر اشاره..... ۳۱       | فعل ناقص..... ۳۰         |
| ضمیر مبهم..... ۳۱           | فعل نخی..... ۳۷          |
| ط: طباق سلب..... ۱۸         | ق: قرین (بحر)..... ۳۸    |
| طرد و عکس..... ۳۳           | قرینه..... ۳۸            |
| طنز..... ۳۴                 | قصر صفت..... ۳۹          |
| ظ: ظفرنامه..... ۳۴          | قصر موصوف..... ۳۹        |
| ع: عروض (علم)..... ۳۵       | قلب (جناس)..... ۴۰       |
| عروض (قسمتی از بیت)..... ۳۵ | قلب (عروض)..... ۴۰       |
| علاقه..... ۳۸               | قلب مطلب..... ۴۰         |
| علاقه (حالیّت)..... ۳۵      | قید (قافیه)..... ۲۶      |
|                             | قید (قافیه مقید)..... ۴۱ |
|                             | قید (حرف قافیه)..... ۴۱  |

|    |                         |    |                               |
|----|-------------------------|----|-------------------------------|
| ۴۷ | مجالس سبعة.....         | ۴۱ | قيد (دستور).....              |
| ۴۷ | محذوف.....              | ک: |                               |
| ۶۲ | مثنوی مولوی.....        | ۵۷ | کامل (بحر).....               |
| ۴۷ | مدرج.....               | ۴۲ | کشف المحجوب (اسحاق سگری)..... |
| ۴۸ | مذهب کلامی.....         | ۴۲ | کشف المحجوب (هجویری).....     |
| ۴۶ | مذیل.....               | ۴۲ | کلیات شمس.....                |
| ۴۹ | مردف.....               | ۶۳ | کلیله و دمنه.....             |
| ۴۹ | مردف.....               | ۴۳ | کنایه.....                    |
| ۶۳ | مرزبان نامه.....        | ۱۱ | که (اضراب).....               |
| ۵۶ | مسخ.....                | گ: |                               |
| ۱۴ | سمط.....                | ۶۱ | گلشن راز.....                 |
| ۵۰ | مصرع.....               | ل: |                               |
| ۵۰ | مصرع.....               | ۱۳ | لفظ (جناس).....               |
| ۵۰ | مضارع (جناس).....       | ۴۴ | لف و نشر.....                 |
| ۵۰ | مضارع (دستور).....      | م: |                               |
| ۵۰ | مضارع (بحر).....        | ۴۵ | مبالغه.....                   |
| ۵۰ | مضارعه (فنون ادبی)..... | ۴۶ | مترادف (از حدود قافیه).....   |
| ۵۵ | مضاف و مضاف الیه.....   | ۴۶ | مترادف (هم معنی).....         |
| ۵۱ | مطرف (جناس).....        | ۴۶ | متوج (جناس).....              |
| ۵۱ | مطرف (سجع).....         | ۴  | مثل.....                      |
| ۵۲ | مفاعیل.....             | ۴۳ | مجاز.....                     |
| ۵۲ | مفتعلن.....             | ۴۷ | مجالس ختمه.....               |

|                      |    |                        |    |
|----------------------|----|------------------------|----|
| نظامی گنجوی.....     | ۵۶ | مفرد (انواع ادبی)..... | ۵۳ |
| و:                   |    | مفرد (دستور).....      | ۵۳ |
| واسوخت.....          | ۵۸ | مفعول.....             | ۱۸ |
| وافر (بحر).....      | ۵۷ | مقابلہ.....            | ۱۸ |
| وصل (حرف قافیہ)..... | ۵۷ | مقالات شمس.....        | ۴۲ |
| وصل (معانی).....     | ۵۷ | مقتضب (بحر).....       | ۵۳ |
| وقوع.....            | ۵۸ | مقتضب (قصیدہ).....     | ۵۳ |
| ھ:                   |    | مقصود.....             | ۴۷ |
| مجا (بخش).....       | ۵۸ | منطق الطیر.....        | ۶۲ |
| مجا (فتون).....      | ۵۸ | موازنہ.....            | ۵۴ |
| مجا (مجو).....       | ۵۸ | موصوف و صفت.....       | ۵۵ |
| عجو.....             | ۳۴ | موقوف.....             | ۴۷ |
| مرل.....             | ۳۴ | موقوف المعانی.....     | ۴۷ |
| هفت پیکر.....        | ۶۲ | میر خواند.....         | ۲۲ |
| هم حرفی.....         | ۵۹ | ن:                     |    |
| هم صدایی.....        | ۵۹ | نسخ.....               | ۵۶ |
| هم هجایی.....        | ۲۹ | نظامی عروضی.....       | ۵۶ |

**آذر گشسب - آذر گشنسب:**

آذر گشسب: یکی از سرداران پیروز ساسانی که در شاهنامه به نام وی اشاره شده است. هم چنین نام یکی از سرداران معروف خسرو پرویز هم بوده است.

آذر گشنسب: یکی از سه آتشکده مهم زمان ساسانیان واقع در آذربایجان که متعلق به جنگجویان و شاهان بوده است.

**ابداع - افتنان:**

ابداع: اگر در جمله ای ادبی با چند وجه از صناعات روبرو شویم می گوئیم جمله دارای ابداع است.  
ندانم از سروبایت کدام خوب تر است چه جای فرق که زیبا ز فرق تا قدمی

(سعدی)

که صناعات تجاهل العارف (ندانم)، مراعات نظیر (سرو و پا و فرق و قدم) تضاد (مورد قبل) جناس تام (فرق به معنی تفاوت و فرق به معنی فرق سر) در آن به کار رفته است.

افتنان: کاربرد دو یا چند موضوع متفاوت در شعر نظیر مدح، ذم یا مدح و هجا در متن ادبی است:

قدح به شرط ادب گیر زانکه ترکیش ز کاسه سر جمشید و بهمن است و قباد

(حافظ)

که موضوعات پند و غزل را توأم به کار برده است. در واقع صفت ابداع کاربرد چند صفت ادبی در شعر است و صفت افتنان کاربرد چند موضوع در شعر.

### ابوالعلاء گنجوی - ابوالعلاء معری:

ابوالعلاء گنجوی: شاعر ایرانی قرن ششم، معاصر و مداح شروانشاه -جلال الدین اخستان منوچهر و فرزند او بود. خاقانی (داماد وی) و فلکی شروانی هر دو از شاگردان وی بودند.

ابوالعلاء معری: احمد بن عبد الله بن سلیمان، شاعر و لغوی معروف عرب (۳۶۳ - ۴۴۹ ه. ق). وی به سبب آیه ناینا شد، از مهم ترین آثار او می توان به رساله "الغفران" اشاره کرد.

### اخرم - اخرب:

اخرم: در معنای لغوی بینی بریده و بزرگی پایه ای است که در آن "مفاعیلن" به "مفعولن" تغییر یافته باشد.

اخرب: در معنای لغوی خراب تر و بزرگی پایه ای است که در آن "مفاعیلن" به "مفعول" تبدیل شده باشد.

**اساس البلاغه - اسرار البلاغه:**

اساس البلاغه: کتاب لغت عربی به عربی تألیف جارا... ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشری (۴۶۷ - ۵۳۸) مفسر و لغت‌شناس ایرانی.

اسرار البلاغه: یکی از دو کتاب معروف عبدالقاهر بن عبدالرحمن ابوبکر جرجانی متولد سده پنجم هجری.

(دیگر کتاب وی دلائل الاعجاز می‌باشد که در باب علم معانی است.) کتاب اسرار البلاغه وی مشتمل بر مطالبی از قبیل تشبیه و استعاره می‌باشد که بعدها نام علم بیان به خود گرفت.

**استثنا - استثنای منقطع:**

استثنا: جدا کردن امری از امور دیگر را گویند:

همه آمدند بجز علی

استثنای منقطع: امر استثنا از جنس مستثنی شونده نباشد:

به غیر از محبت گناهی نداشت

چنانکه می‌بینیم محبت از جنس گناه نیست.

**استدراک (دستوری) - استدراک (بدیع):**

استدراک (دستوری): رفع ابهام از گفته پیشین با آوردن "اما"،

"لیکن" و غیره...

قد خمیده ما سهل نماید اما برچشم دشمنان تیر از این کمان توان زد

(حافظ)

استدراک (بدیع): نوعی از مدح شبیه به ذم که آغاز سخن با الفاظی شروع شود که ندارند هجو است سپس شاعر استدراک کند و به مدح باز آید:

اثر خواجه نخواهم که بماند به جهان      خواجه خواهم که بماند به جهان در اثر

### استعاره تمثیلیه - مثل:

استعاره تمثیلیه: در صورتی که جمله‌ای به علاقه مشابَهت در معنایی غیر از معنی اصلی خود به کار رود از آن به استعاره تمثیلیه یاد می‌شود:

ای که بر چرخ اینسی زیبار      تکیه بر آب کسره‌ای هشدار

مثل: یا مثل سائر سخن و گفته ای است که ضمن دارا بودن معنای مجازی، شهرت زیادی بین عموم مردم یافته و زبان به زبان گردیده تا به امروز رسیده است. در واقع فرق این دو مقوله در میزان شهرت سخن در نزد عموم مردم است.

### اسم مصدر - حاصل مصدر:

معنای مصدری را می‌رسانند و تفاوت آنها با مصدر در این است که علامت مصدری ندارند. ادبای سنتی اسم مصدر را از بن فعل دانسته‌اند:

دانش، گریه، گفتار